

Anahita A Research Journal of Persian Language, Literature Art & Culture No. 03, 2016, pp 09-18	آناهیتا مجله علمی- پژوهشی زبان، ادبیات، فرهنگ و تمدن فارسی شماره: 03 سالنامه 2016 میلادی، صص 09-18
---	---

Artistic Features of Sufi Works

***Aygün Alizade**

Abstract

Farid ad Din Attars work “Tazkirat al-awliya” is considered as one of the most famous works in 12th century. This work contains a great number of literary methods, however, the main feature, which defines this literary work is variety of used artistic-expressive means.

Literary creativity consists of two parts: words and meaning. The art of word embraces beautiful ways of expressing an idea. The art of meaning is based on the beauty of phrases. The present article deals with saj, its history in Persian literature and poems in texts. In this article both literary and grammatical features were studied on examples, and place of the works by attar in Persian prose was researched.

Key Words: Farid ad Din Attar, Tazkirat al awliya, literary work, saj

ویژگی های ادبی آثار عرفانی

*آیگون علیزاده

چکیده

اثر تذکرة الاولیای فرید الدین عطار یکی از آثار معروف ادبی قرن دوازدهم می باشد. در این اثر صناعات بدیعی زیاد استفاده شده است. علت اصلی هم این می باشد که عطار خودش شاعر معروف بود. اول باید سبک نوشتن عطار را تشخیص داد. در این اثر نثر با نظم، نثر مسجع با نثر مرجز، نثر مرجز با نثر مرسل آمیخته شده است. قبل از عطار در ادبیات فارسی دو شخص بزرگ سعدی شیرازی و خواجه عبد الله انصاری بعضی از آثار معروف خودشان را با نثر مسجع نوشته بودند. در گلستان سعدی شیرازی و مناجات خواجه عبد الله انصاری شاهد سجع زیبا هستیم. اما فرق اثر عطار از این آثار معروف در آن است که در اثر وی هم نظم، هم نثر قافیه دار و هم سجع زیاد به کار رفته است.

کلید و اثره ها: تذکرة الاولیا ، فرید الدین عطار ، صناعات بدیعی، سجع

در ادبیات فارسی محققان در باره شکل ظاهری آثار دیدگاه های خودشان را ارائه کرده اند. مثلاً رشید الدین وطواط در حدایق السحر فی دقایق الشعر، وحید تبریزی در رساله جمع مختصر خود در این باره زیاد تحقیق کرده اند. مثلاً، وحید تبریزی در اثر فوق الذکر خود می نویسد: "نثر سه نوع است. نثر مرجز، نثر مسجع و نثر عاری. نثر مرجز نثری است که وزن دارد اما فاقد قافیه می باشد، نثر مسجع نثری است که قافیه دارد اما وزن ندارد، نثر عاری نثری است که هم وزن ندارد، هم قافیه ندارد. (2، 38)

جلال الدین همایی در اثر فنون بلاغت و صناعت ادبی خود نثر را به دو قسمت – نثر مسجع و نثر مرسل تقسیم می کند. همچنین در باره سجع نظرش اینطور است: " باید دانست که نثر مسجع اول مخصوص به زبان عربی بوده، بعدها از طریق قرآن کریم به زبان فارسی راه یافته است. نثر مسجع در واقع بین نثر مرسل و نظم قرار می گیرد. از این لحاظ آن را می توان نوع سوم کلام ادبی دانست." (6، 6)

در اثر قرید الدین عطار نثر مرسل، مسجع و مرجز هم هست، در عین حال اشعار زیاد را هم می توان دید. (6، 42)

زبان اثر خیلی ساده است. این را عطار خودش در سرآغاز کتاب می نویسد: دیگر باعث آن بود که چون قرآن و اخبار را لغت و نحو و صرف می بایست و بیشتر خلق از معانی آن بهره نمیتوانست گرفت. این سخنان که شرح آن است و خاص و عام را در وی نصیب است. اگر چه بیشتر بتازی بود با زبان پارسی آوردم تا همه را شامل بود. (5، 14-15)

در حقیقت وقتی که قسمت نثر اثر را می خوانی نباید نکات سخت قواعد زبان را دانست. اما در همان سادگی عطار از توانایی شعر سرایی خود استفاده کرده و کلمات جمله را آنطور با نظم و ترتیب چیده است که خواننده از آهنگ جملات لذت می برد. عطار نکات صنعت کلام را آن چنان وارد بوده است که در نثر مرجز قواعد دستوری زبان فارسی را برای بیان افکار خود استفاده کرده است. البته اثر با جملاتی که هم نظم دارند و هم نثر خیلی زیاد است. به عنوان مثال می توان به چندین جمله اشاره کرد.

و گفت آنکه عارف تر است بخدای تحیر او در خدای سخت تر است و بیشتر از جهت آنکه هر که به افتاب نزدیکتر بود در آفتاب متحیر تر بود. (5، 123)

در یک جمله از صفت عالی در پنج کلمه استفاده شده است که از قرار ذیل می باشد:

متحیر تر نزدیکتر بیشترنر سخت تر عارف تر

به نظر ما به کار گیری پشت سر هم پسوند "تر" جمله را آهنگ خاص می دهد. عطار چنان عبارات را انتخاب کرده است که در آنها اصطلاحات صوفی اولویت دارد. نویسنده برای ایجاد شعریت در اثر خود کلمات "عارف" و "متحیر" را به کار برده است و این هم خواننده را به خود جلب می نماید.

در عین حال در قسمت دوم جمله از استعاره استفاده شده است که در این باره هم بحث خواهیم کرد.

عارف بیننده بود بی علم و بی عین و بی خبر و بی مشاهده و بی وصف و بی کشف و بی حجاب. (5، 123)

اگر در جمله نظام جمله بندی زبان فارسی رعایت می شد کلمات زیر بایستی به این شکل بود:

عارف بی علم و بی عین و بی خبر و بی مشاهده و بی وصف و بی کشف و بی حجاب بیننده

بود.

ولی عطار برای حفظ آهنگ جمله، همچنین برای جلب توجه خواننده از وسیله دیگر استفاده کرده است. و گفت اولیا را چون در عیش انس اندازند گویی با ایشان خطاب می کنند در بهشت بزبان نور و چون در عیش هیبت اندازند گویی با ایشان خطاب می کنند در دوزخ بزبان نار. (5، 125)

یکی از قواعد زبان فارسی این است که معمولاً خبر در آخر جمله به کار می رود. اما چنانچه معلوم است در این جملات برای ایجاد آهنگ ویژه و همچنین به منظور تاکید بر واژه های "نور" و "نار" خبر ها در وسط جمله به کار رفته است.

یک ویژگی دیگر زبان نثر این است که اکثر جملات معنای حکیمانه دارد. جملات با عبارات "نقل است که"، "گفت"، "پرسیدند" و غیره شروع می شود. می توان دید که در ذکرها قسمت عمده را جواب اولیا به سوالات تشکیل می دهد. عطار بین مخاطب و اولیا مکالمه زیبا ایجاد می کند. مثلاً:

و یوسف حسین گفت مرا وصیتی کن. گفت با خدای یار باش در خصمی نفس خویش نه با نفس یلر باش در خصمی خدای... (5، 138)

اگر عطار در اینجا "یار باش" و "یار مباحش" می نوشت جمله چنین زیبا نبود. او او "نه" را عدا در اول به کار برده است که معنا را بیشتر تاکید شود. در عین حال در خود عباره "یار باش" صنعت ابدی به کار رفته است که این هم شامل قاعده سجع می شود.

جهت اصلی که اثر ادبی را تشخیص می دهد صنایع بدیعی است. صناعات بدیعی به دو قسمت تقسیم می شود: لفظی و معنوی. صنعت لفظی صنعتی است که با زیبایی سخت سر و کار دارد. اما صنعت معنی صنعتی است که از زیبایی عباره به دست می آید. ما هم این دو صنعت را در اثر عطار بررسی خواهیم کرد.

معلوم است که در اثر نمونه های سجع زیبا زیاد است. رشید الدین وطواط خود سجع را به سه بخش تقسیم می کند: سجع متوازی، سجع متعرف، سجع متوازن. (2، 100)

سجع متوازی سجوی است که وزن و حرف روی کلمات یکی است. آن صفی پرده شناخت آن ولی قبه نواخت. (5، 55)
کلمات "صفی - ولی"، "پرده-قبه"، "شناخت-نواخت" سجع متوازی است.
آن سلیم سنت آن عظیم ملت آن مجتهد اولیا آن متفرد اصفیا. (5، 77)
کلمات "سلیم-عظیم"، "سنت - ملت"، "مجتهد-متفرد"، "اولیا- اصفیا" سجع متوازی است.

سجع متعرف سجع است که حرف روی کلمات یکی است، وزن آنها مختلف است.

آن مقدس عالم پاکی احمد بن عاصم الانطاکی. (5، 1)

کلمات "پاکی" و "انتاکی" سجع متعرف است.

آن بحقیقت ولی شیخ وقت فتح موصولی. (5، 254)

کلمات "ولی" و موصولی هم سجع متعرف است.

سجع متوازن سجعی است که کلمات در وزن یکی اما در حرف روی مختلفند.
و دل صحیح دل هشیار که در کار است و با طاعت بسیار است و با خوف از ملک ذو
الجلال است. (5، 226)

کلمات "هوشیار"، "درکار"، و "بسیار" سجع متوازی، کلمات "بسیار" و "جلال" سجع
متوازن است.

در دنیا عزیز باشد و در آخرت شریف. (5، 110)

کلمات عزیز و شریف سجع متوازن است.

در اثر تذکرت الاولیا خیلی سجع به کار رفته است.

یک صنعت بدیعی دیگر که عطار به کار برده است تضمین المزدوج است. تضمین
المزدوج به کار رفتن کلماتی است که حرف روی آنها یکی است و پشت سر هم می آیند. از این
هم در اثر زیاد استفاده شده است.

و در ریاضت و کرامت و مروت و فتوت بی نظیر بود. (5، 286)

"ریاضت"، "کرامت"، "مروت" و "فتوت" بر این مثال است.

چنانکه نفل است از او که گفت هفتاد سال قدم زدم در توحید و تفرید و تجرید و تاید و
تشدید برافتم. (5، 126)

در این جمله "قدم و زدم" و "توحید"، "تفرید"، "تجرید"، "تاید"، تشدید نمونه های
تضمین المزدوج است.

در تضمین المزدوج کلماتی که حرف روی آنها یکی است نباید نزدیک هم به کار روند،
آنها می توانند از هم دیگر جدا هم باشند.

آن قدوه رجال آن نقطه کمال آن عابد صادق آن زاهد عاشق آن سلطان اوتاد قطب عالم ابو
حفص حداد. (5، 266)

"قدوه - نقطه"، "رجال-کمال"، "عابد-زاهد"، "صادق-عاشق"، "اوتاد-حداد" نمونه بر این است.
در اثر عطار از جناس هم استفاده شده است. جناسها هم چند نوع می باشند: تام، ناقص،
زاید، مرکب، مفروق، مقرون، متعرف، مکرر و غیره.

در جملات زیر نمونه هایی از انواع جناس را ذکر می کنیم.

جناس زاید آن است که حروف یک کلمه از دیگران زیاد است. در جملات زیر "نعمان -

عمان"، "حرم-محرم"، "روز-روزه" نمونه ای از جناس زاید است.

آن نعمان حقایق آن عمان جواهر معانی و دقایق (5، 185)

آن محرم حرم ایزدی (5، 177)

پس رابعه بخانه خواجه باز آمد و پیوسته بروز روزه می داشت. (5، 66)

جناس مضاره هماهنگی حروفی است که در کلمه متجانس به کار رفته است. مثلاً،

"کرامات - کلمات"، "وصل-فصل"، "صورت- سیرت" جناس مضارع می باشد.

وصاحب کرامات و کلماتی عالی داشت. (5، 63)

آن حاکم وصل و فصل (5، 254)

آن تیزچشم بصیرت آن شاه باز صورت و سیرت (5، 277)

در جمله زیر کلمات "زاری و نزاری" جناس مکرر می باشد.

تو بدین زاری و بدین نزاری (5، 119)

یکی از صناعات بدیعی که در تذکرت الاولیا به کار رفته است قلب است. در قلب حروف

عینی کلمات به شکل مختلف به کار می رود و منعاهای مختلف دارند. مثالهای زیاد را می توان

در این اثر دید. مثلاً، "زنیم- زمین"، "کفش-کشف" را می توان مثال زد. استفاده از چنین کلمات

از شاعر استعداد زیاد می خواهد. عطار نیشابوری هم از عهده این کار به خوبی در آمده است.

اگر خواهد از برای او آسمان بر زمین زنیم و زمین بر آسمان. (5، 197)

شیخ گفت سبحان الله تو کفش نگاه نمی توانی داشت از هیبت مخلوقی در هیبت خالق

چگونه کشف نگاهداری. (5، 143)

در اثر علاوه از صناعات ادبی از روشهایی که معنا را زیبا می کند استفاده شده است.

از این ها می توان تشبیه، مجاز، ارسال المثال، تلمیح و غیره را نشاد داد. اگر در اثر از اینها

استفاده نمی شد اثر چنین زیبایی را نداشت. شاید ذکر است که در تشبیه باید چهار عنصر باشد:

مشبه، مشبه به، مشبه له و حرف. اما بعضی وقتها می توان یک یا دو طرف آن حذف شود. در

ادبیات چنین نمونه ها را زیاد می توان دید.

و گفت صوفی چون زمین باشد که همه پلیدی در وی افکنند و همه نیکویی از وی بیرون آید. (5، 23)

و گفت دل عارف چون چراغی است در قندیلی از آبگینه پاک که شعاع او جمله ملکوت را روشن دارد. او را از تاریکی چه باک. (5، 156)

در این جملات چهار عنصر تشبیه موجود است. اما در جمله زیر چون مشبه له حذف شده است خواننده خودش باید آن را پیدا کند.

نقل است که یکبار دوستی را نامه نوشت که دنیا چون خواب است و آخرت چون بیداری. (5، 26)

اما در جمله ذیل فقط دو طرف هست. دو دیگر را خود خواننده باید پیدا کند که این هم به اثر زیبایی خاصی می بخشد.

شمعهای ایمان و چراغهای توحید در سینه های ما افروخته اند (5، 267)

و گفت صبر نشانه تیرهای بلا شدن است. (5، 207)

یکی دیگر از روشهایی که اثر ادبی را جذاب می کند مجاز است. معلوم است که در مجاز

کلمات در معنای حقیقی خود نیست در معنای مجازی خود به کار می رود. مثلاً

آن آفتاب پنهان..... آن سهیل یمنی (5، 26)

آن سیمرخ فاف یقین.... (5، 87)

در این جملات اولیا به آفتاب پنهان، سهیل یمنی، سیمرخ قاف یقین تشبیه شده اند.

تلمیح اشاره به اسم یا حادثه معروف است:

و گفت صوفی آن است که دل او چون دل ابراهیم سلامت یافته بود از دوستی دنیا و بجای

آورنده فرمان خدای بود و تسلیم او تسلیم اسمعیل و اندوه او اندوه داود و فقر او فقر عیسی و صبر او

صبر ایوب و شوق او شوق موسی در وقت مناجات و اخلاص او اخلاص محمد (ص) (5، 24)

چنانچه معلوم است این اثر بزرگ عرفانی پر از نمونه هایی است که ذکر همه آنها در این

مقاله ممکن نیست. در این اثر از آیات قرآن، احادث، ضرب المثل و گفته های اولیا زیاد است.

در این اثر گاه گاه می توان اشعاری را هم دید که می خواهیم در باره آنها هم کمی بررسی

کنیم.

وقتی که اثر را می خوانیم اشعار کوچک توجه خواننده را جلب می کند. این اشعار هم به

فارسی و هم به عربی است. اما بر اساس پژوهشها می توانیم بگوییم که این اشعار را عطار نسروده است. زیرا این اشعار را می توان در آثار نویسندگان معروف هم دید. از طرف دیگر این اشعار در مقایسه با اشعار عطار خیلی ضعیف به نظر می رسد. و اکثر اشعار هم به زبان عربی است. این هم نشان دهنده آن است که عطار این اشعار را از منابع عربی برداشته است. شایان ذکر است که شعر پس از کدام حکایت داده می شود در کتب دیگر هم با همان ترتیب می باشد. یعنی این باز هم نشان می دهد که عطار به اشعار دخالت نکرده است. نثر نویسندگان در مقایسه با اشعار خیلی ضعیف به نظر می رسد.

فرید الدین عطار در ذکرهای داوود طایی، سمنون محب، عمرو عثمان مکی، امام جعفر صادق، منصور عمار، جنید بغدادی، جلاج منصور، ابو بکر شبلی، ابو علی دقاق، ابو اسحاق کازرونی، ابو سعید ابو الخیر، ابراهیم ادهم، ذنون مصری و غیره از اشعار کوچک استفاده کرده است.

نتیجه گیری:

طبق پژوهشها می توانیم بگوییم که این اشعار در طبقات الصوفیه، رساله قشیریه، کشف المحجوب، نفحات الانس هم موجود است. از اینجا می توانیم چنین نتیجه بگیریم که عطار از طبقات الصوفیه خواجه عبد الله انصاری به عنوان مرجع اصلی استفاده کرده است. برای اثبات این مطلب باید گفت که اشعاری که در ذکرهای داوود طایی و سمنون محب (5، 69:200) (1، 104، 122) به کار رفته است در رساله قشیریه هم وجود دارد. این شعر عربی در رساله قشیریه هم هست.

بای خدیک تبدی الیللی و ای عینیک اذا سالا

یا این شعر در ذکر سمنون محب هم هست در رساله قشیریه هم هست.

لیس لی فی ما سواک حظ فکیف ما شئت فا ختبرنی

اشعاری که در ذکرهای سمنون محب (5، 69) (4، 100)، عثمان مکی (5، 33)، (4، 84)، منصور عمار (5، 297)، (4، 61)، جنید بغدادی (5، 12)، (4، 80)، ابو اسحاق کازرونی (5، 253)،

(4، 254)، ابراهیم ادهم(5، 91)،(4، 41)، ذنون مصری (5، 123)، (4، 32) به کار رفته است در نفحات الانس هم هست. به عنوان مثال: این شعر هم در اثر تذکرت الاولیا هست و هم در نفحات الانس.

خون ریز بود همیشه در کشور ما جان عود بود همیشه در مجمر ما
داری سر ما و گر نه دور از بر ما ما دوست کشیم و تو نداری سر ما
جالب این است که شعری که در ذکر ابو بکر شبلی به کار رفته است در نفحات در ذکر
ابو بکر ترسوسی داده شده و یک بیت اضافی هم دارد.

کل بیت انت ساکنه	غیر محتاج الی السرج
وجهك الميمون حجتنا	يوم ياتي الناس با حجج
لا اناج الله لی فرجا	يوم ادعومك بالفرج

اشعاری که در ذکرهای عثمان مکی (5، 33)، (3، 198) و ابوالعباس سیاری (5، 256)، (3، 458) به کار رفته است در طبقات صوفیه هم هست.

اتمن علی الزمان مجال ان یری فی الحیاة طلعة حر

این ویژگی ها در تمام آثار عرفانی از جمله در طبقات الصوفیه، کشف المحجوب، رساله قشیریه، نفحات الانس و غیره دیده می شود.

فهرست منابع:

- ##Kuşeyri Abdulkerim. Kuşeyri risalesi. Dergah, 1999, 527 s.
- ##Чалисова Н.Ю. Рашид ад-Дин Ватват и его трактат «Сады волшебства в тонкостях поэзии». Рашидаддин Ватват. Сады волшебства в тонкостях поэзии. Перевод с персидского. Исследование и комментарий Н.Ю. Чалисовой. М.,1985, с 9-82.

سلمی عبد الرحمان، طبقات الصوفیه، لیدن، 1960، 589 ص

جامی، مولانا عبد الرحمان بن احمد، نفحات الانس من حضرات القدس، بتصحيح و مقدمه

و پیوست محدی توحیدی پور، انتشارات کتابفروشی محمودی، 1337، 679 ص

نیشابوری، فریدالدین عطار، تذکرة الاولیاء، با مقدمه میرزا محمد خان قزوینی، دو جلد

در یک مجلد، گنجینه، تهران، 1381، 600 ص.

همایی، جلال الدین، فنون بلاغت و صناعات ادبی، تهران، 1379، 424 ص